



گفت‌وگوی صبا با عوامل نمایش گاوزن

مصائب

یک هیولای

عاشق

تماشاخانه سنگلج در این شب‌های تئاتری با اجرای نمایش «گاوزن» گریزی به روزهای اوج و صحنه گردان تحسین برانگیزش زده است.

مریم عظیمی
گفت و گو

نمایش «گاوزن» که به نویسندگی و کارگردانی میثم عباسی و تهیه‌کنندگی محمدرضا کاشانی موحد روی صحنه می‌رود با چرخان کردن سن سننگلج مخاطب را به روزهای اوج این تماشاخانه و داستانی از دوران سقوط مصدق می‌برد. نمایش گاوزن از عشق یک لوتی و قلدر به دختری که سودای تئاتر و بازیگری در سر دارد می‌گوید. این عشق یک طرفه که در بحبوحه حوادث سال ۳۲ و کودتا بر علیه دولت مصدق شکل گرفته با فراز و نشیب‌ها و چالش‌هایی مواجه می‌شود...

در حالیکه نادر فلاح نقش ناصر گاوزن و حدیثه تهرانی نیز نقش روح انگیز را در این نمایش بر عهده دارند بازیگرانی چون حمید مهین دوست، علی برجی، امیر عدل پرور، زیبا کاظمی، علی باقری، امین مودن، مبین آذر باجانی، مانی محمدی، محمدرضا رنجبر، غزاله میر و بیسی، نورالله معصومی، عرفان سعیدی، میرعلی رازقی، پوریا پارسیان، مهدی محبی، احد توحیدی و امیرحسین آزادی دیگر نقش‌های این نمایش را بازی می‌کنند. در ادامه گپ و گفت خبرنگار صبا با عوامل این نمایش را می‌خوانید.

میثم عباسی نویسنده و کارگردان:

تماشاخانه‌های خصوصی بزرگترین لطمه را به تئاتر زدند

از پیشینه تئاتری تان بگوئید.

من دیپلم بازیگری تئاتر از هنرستان کمال الملک و لیسانس کارگردانی تئاتر دارم اما سابقه کاری من بیشتر در زمینه بازیگری است و سال‌ها در زمینه تئاتر کودک و نوجوان فعالیت کردم. نمایشی به نام «پسرک خنده نداشت» را بر اساس شعری از شاملو به نام «حسین قلی که لب نداشت» در تالار هنر روی صحنه بردم و نمایشی دیگر به نام «سوگ جامه» که بر اساس شاهنامه و نگاه جدیدی به قصه رستم و سهراب بود هم در تئاتر شهر روی صحنه رفت تا نمایش «گاوزن» که در واقع سومین اثر من به عنوان کارگردان است.

ایده اولیه نمایشنامه چگونه شکل گرفت؟

ایده این نمایشنامه بر اساس زندگی روح‌انگیز سامی نژاد به ذهنم رسید منتها بعداً دیدم که در زندگی ایشان اتفاقات دراماتیک چندانی وجود ندارد. همانطور که می‌دانید روح‌انگیز سامی نژاد اولین بازیگر زنی بوده که در فیلم «دختر لر» بازی کرده است. بعد از این توجهام به ماجرای به آتش کشیده شدن تماشاخانه سعدی در سال ۱۳۳۲ توسط نوچه‌های شعبان جعفری جلب شد. در واقع من از قصه زندگی روح‌انگیز سامی نژاد الهام گرفتم حتی نام کاراکتر اصلی نمایش را نیز روح‌انگیز گذاشتم و خواستم که یک ادای دینی به ایشان کرده باشم و در کنار این موضوع به قصه‌ای که در کنار ماجراهای سال ۳۲ شکل می‌گیرد پرداختم.

جدا از دیگر عناصر اجرا، یکی از چشمگیرترین اتفاقات این اجرا این است که سن سنگلج دوباره بعد از سال‌ها به صورت گردان در آمده و مورد استفاده قرار گرفته است. این ایده که مسلمانا بسیار پر هزینه هم بوده بر چه اساسی انجام شد؟

ما برای اینکه تایم تعویض صحنه‌های مان را پایین بیاوریم و بتوانیم دو صحنه شکیل و تفکیک شده از هم داشته باشیم تصمیم گرفتیم که صحنه سنگلج را بعد سالها گردان کنیم. همانطور که شما گفتید قبلاً تماشاخانه سنگلج مانند سالن اصلی تئاتر شهر و تالار وحدت صحنه گردان داشت که با گذشت سال‌ها این صحنه گردان از تماشاخانه سنگلج حذف شد. ما فقط برای اینکه تایم و ریتم کارمان درست باشد این مقدار هزینه کردیم و دوباره تماشاخانه سنگلج را به شکل صحنه گردان برگرداندیم.

در طول نمایش این سوال مدام در ذهن من بود که آیا پس از پایان اجرای شما این تجهیزات صحنه گردان روی سن سنگلج می‌ماند و دیگر گروه‌ها می‌توانند استفاده کنند یا اینکه دوباره همه چیز به حالت سابق برمی‌گردد؟

حقیقتاً این مسئله بستگی به تماشاخانه سنگلج دارد که بخواهند این مکانیزم بماند یا نه و هنوز هیچ صحبتی در مورد این مسئله نشده است.

انتخاب بازیگران کار چگونه انجام شد؟

ما تلاش کردیم نقش‌ها را با توجه به قابلیت‌هایی که در بازیگران وجود داشت انتخاب کنیم. آقای فلاح همینطور تک تک بازیگران این نمایش گزینه اول ما برای نقش ناصر گاوزن و باقی نقش‌ها بودند که نمایشنامه را خواندند، لطف کردند در حق ما و پذیرفتند که این

همکاری انجام شود.

این روزها اکثر نمایش‌ها با مشکلاتی در زمینه تهیه‌کننده و سرمایه‌گذار روبرو هستند. با توجه به اینکه کار شما نیز کار پر هزینه‌ای بود بخش سرمایه و تهیه چگونه پیش رفت؟

حقیقتش در ابتدا قرار بود آقای کاشانی نمایشنامه دیگری از من کار کنند منتها وقتی که این نمایشنامه را خواندند علاقه‌مند شدند که ابتدا این نمایشنامه را کار کنیم. از آنجایی که نمایشنامه را دوست داشتند تمایل به این داشتند که در واقع تهیه‌کار بر عهده ایشان باشد هر چند که می‌دانستند هزینه‌های انجام شده حتی اگر ما تا روز آخر هم به صورت سولداوت پیش برویم تا حدود بسیار زیادی باز نمی‌گردد اما ایشان لطف داشتند به این نمایش و از آنجایی که قلب‌شان برای فرهنگ و هنر این مملکت می‌تپد تصمیم گرفتند که این کار را انجام بدهند.

ادبیات و زبانی که در این نمایش مورد استفاده قرار گرفته به یک دوره خاصی از تاریخ، فرهنگ و حتی سینمای ما برمی‌گردد. استفاده از این ادبیات در انتقال فضایی که داستان در آن می‌گذرد تا چه میزان موثر است؟

برای من بسیار مهم است که نویسندگانه‌ها اگر کاری به یک دوره تاریخی خاصی می‌شود به زبان آن دوره تاریخی وفادار باشند و این همیشه مد نظرم است. مثلاً من در زمینه ادبیات قاجاری نمایشنامه‌ای به نام «رخساره» را نوشته بودم که آقای علی برجی مدتی قبل روی صحنه بردند و ادبیاتش، ادبیات قجری و مربوط به ناصرالدین شاه بود. همینطور زبان نمایش «سوگ جامه» خیلی زبان پیچیده‌تری به نسبت این نمایش بود و من همیشه به این مسئله فکر می‌کنم و به دنبال این هستم که این اتفاق در نمایشنامه‌هایی که می‌نویسم رخ بدهد و اگر آثار مربوط به دوره تاریخی خاصی هستند، زبان اثر هم حتماً زبانی باشد که آمیخته به آن دوره تاریخی خاص است.

باز خورد مخاطبان تا این لحظه چگونه بوده است؟

باز خوردها تا به این لحظه بسیار خوب بوده و مخاطبان مان خیلی به این نمایش لطف داشتند و کامنت‌های بسیار خوبی در سایت تیوال

برای ما گذاشتند. منتها ما این مشکل را داریم که مخاطبان تماشاخانه سنگلج مقداری کم هستند و در حال تلاش هستیم تا بتوانیم مخاطبان بیشتری را جذب کنیم.

این روزها زیاد به این مسئله برمی‌خوریم که گروه‌های تئاتری اغلب چالش‌هایی در زمینه مسئله تبلیغات دارند برای گروه شما این مسئله چگونه بود؟

بله هزینه‌های تبلیغات واقعا بالاست و با اینکه ما پنج تیزر داشتیم و در پیچ‌های مختلف هم تبلیغ کردیم اما همچنان گروه معتقد است که تبلیغات مان کم بوده و آنقدر هم هزینه‌های تبلیغات عجیب و غریب و بالاست که به نظر من هزینه تبلیغ یک نمایش از هزینه تولید آن بیشتر می‌شود و این یک معضل بزرگ برای تئاتر است. من به یاد می‌آورم که در دوره‌های کار می‌کردیم، تماشاگر در سالن‌ها وجود داشت و پس از گذشت چند اجرا هر نمایشی مخاطب و تماشاگر خود را به دست آورده بود. اما امروز فکر می‌کنم که مخاطب و تماشاگر یا به علت ضعف و کیفیت پایین برخی از آثار در یک قهری با تئاتر است یا اینکه تماشاگر به سمت و سوی نمایش‌هایی که محتوای خاصی ندارند سوق داده شده، نمایش‌هایی که در سالن‌های خصوصی باب شده و از چهره‌ها برای جذب مخاطب استفاده می‌کنند. بنابراین وقتی ما یک گروه تئاتر را دور هم جمع می‌کنیم چندان اقبالی وجود ندارد و این لطمه‌ای است که به نظر من تماشاخانه‌های خصوصی با وارد کردن بازیگرانی که تخصصی در این زمینه نداشتند و فقط افراد شناخته شده یا سلبریتی‌هایی بودند که دنبال کنبه‌های زیادی در اینستاگرام داشتند، به تئاتر ایران وارد کردند. اساساً ساختار تئاتر در ایران از دوره‌ای به بعد دچار مشکل شد، گویی که نیتی برای نابودی تئاتر وجود دارد و باز شدن تماشاخانه‌های خصوصی بزرگترین لطمه را به تئاتر زد و شاید امروز دیگر نتوان کاری کرد چرا که یک دهه است که این فرهنگ تئاترهای خصوصی راه افتاده و اگر بخواهیم امروز برای اصلاح آن تلاشی بکنیم شاید زمان بسیار زیادی بطلبد. من تمام تلاشم را می‌کنم که به هیچ وجه سمت تماشاخانه‌های خصوصی نروم و اجرا کردن در آن تماشاخانه‌ها که در